

جامعه‌شناسی سیاسی دفاع مقدس؛ تثبیت انقلاب اسلامی

محمد شفیعی فر^۱، علی صفیاریپور^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۱۲

چکیده:

انقلاب اسلامی ایران مانند هر انقلاب دیگر از همان ابتدا در مسیر فرایند تثبیت، با خطرات و چالش‌های داخلی و خارجی مواجه بوده است. یکی از مهم‌ترین خطرات خارجی که در دهه اول پیروزی انقلاب می‌توانست تهدید اساسی در رسیدن به اهداف و آرمان‌هایش باشد وقوع جنگ تحمیلی در ۳۱ شهریور سال ۱۳۵۹ بود. بنابراین به رغم آنکه این جنگ تهدید جدی برای انقلاب اسلامی بود به عمق بخشیدن و درونی کردن انقلاب کمک کرد. در نتیجه یک رابطه مثبتی میان جنگ و انقلاب اسلامی ایران به وجود آمد. لذا این مقاله با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی به بررسی تاثیر جنگ ایران و عراق در فرایند تثبیت و تداوم انقلاب اسلامی می‌پردازد. در واقع در این پژوهش سعی می‌شود نقش جنگ را در مسیر تداوم انقلاب مورد بررسی قرار دهد. سوالی که مطرح می‌شود این است که جنگ عراق علیه ایران در فرایند تثبیت انقلاب چه تاثیری داشته است؟ و در پاسخ به این سوال می‌توان گفت علی‌رغم تهاجم رژیم بعث عراق به خاک ایران که با هدف تضعیف انقلاب اسلامی و جلوگیری از نفوذ امواج آن به منطقه بود، جنگ تحمیلی با گسترش روحیه وحدت و همبستگی ملی، در جهت تثبیت انقلاب اسلامی عمل کرد.

واژگان اصلی: جنگ عراق علیه ایران، انقلاب اسلامی، وحدت، تثبیت انقلاب اسلامی.

۱. استادیار علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۲. کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

مقدمه

انقلاب‌ها مانند هر پدیده اجتماعی دیگری، در معرض تهدید و آسیب هستند که ممکن است انقلاب را از بین ببرند یا آن را در رسیدن به اهداف و آرمان‌هایش بازدارند. انقلاب اسلامی ایران نیز از این قاعده کلی مستثنی نبود. با پیروزی انقلاب اسلامی، ایدئولوژی رژیم حاکم، ساختار نظام، اعضای رهبری‌کننده و همچنین اهداف بیان شده در آن به طور کامل دگرگون شد. در واقع انقلاب اسلامی همانند انقلاب‌های بزرگ دنیا از جمله انقلاب فرانسه و روسیه، یک انقلاب اجتماعی تمام‌عیار بود که دگرگونی‌های بنیادینی در جامعه ایجاد کرد. انقلاب اسلامی با ایدئولوژی مذهبی و دینی از جنس فرهنگ باعث شکل‌گیری گفتمانی هویت‌بخش و تمدنی شد که در جهت درونی کردن و تثبیت آن از اوایل انقلاب با چالش‌ها و خطرات از سمت مخالفین داخلی و بیرونی مواجه شد.

به طور کلی از یک سو حوزه داخلی در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی به دلیل به وجود آمدن فضای باز سیاسی در کشور و فعالیت جناح‌های وابسته به غرب و شرق که درصدد تفرقه افکنی بودند و باعث اغتشاش و هرج و مرج داخلی می‌شدند، دچار بی‌ثباتی بود. از سوی دیگر در حوزه خارجی نیز با شکل‌گیری ایدئولوژی انقلاب اسلامی و اشاعه آن در بیرون مرزهای کشور، نظم سابق سیاسی منطقه بر هم خورده بود. این واقعیت، موجب وحشت آمریکا و برخی از کشورهای منطقه بویژه حکومت بعثی عراق شد که رؤیای رهبری جهان عرب را در سر داشت و مخالف انقلاب اسلامی بود. با این اوصاف صدام درصدد تضعیف و مسدود کردن گسترش امواج انقلاب برآمد که نتیجه آن تهاجم رژیم بعث عراق به خاک ایران با چراغ سبز آمریکا بود.

بنابراین، یکی از عوامل اساسی شکل‌گیری جنگ عراق علیه ایران، ایدئولوژی انقلاب اسلامی و گسترش آن به بیرون مرزها بود که حکومت بعثی عراق را به جنگ با ایران تحریک کرد. به عبارت دیگر جنگ عراق علیه ساختار سیاسی و نظام ایدئولوژیک انقلاب اسلامی ایران در چارچوب نظام دوقطبی شکل گرفت. زمانی که ایران از توانایی ژئوپلیتیک، توان استراتژیک و روح ایدئولوژیک، به یکی از نیروهای مهم و تاثیرگذار در خاورمیانه تبدیل شد، این امر با اهداف قدرت‌های بزرگ در ساختار نظام دو قطبی در تعارض بود، وقوع جنگ علیه ایران امری اجتناب‌ناپذیر برای تضعیف کردن توان استراتژیک ایران شد (متقی، ۱۳۸۸: ۱۸-۱۶). با این وجود، جنگ تحمیلی با دخالت و حمایت قدرت‌های برتر همچون آمریکا، اتحاد شوروی

و کشورهای اروپایی، موجب شکل‌گیری واکنش متقابل ایران در برابر قدرت‌های بزرگ و تشدید مقاومت در برابر رژیم بعثی عراق شد؛ زیرا از یک سو سیاست نه شرق، نه غربی و تکیه بر توانایی‌های داخلی خود در ساختار سیاسی کشور- با آگاهی ایران از حمایت غربی‌ها از صدام، از تسلیم شدن ایران در برابر آنان و تضعیف انقلاب و انزوای آن جلوگیری کرد و از سوی دیگر بنابر ایدئولوژی نظام سیاسی جمهوری اسلامی که جنگ تحمیلی با هدف تضعیف آن به وقوع پیوست، تنها راه‌حل، دفاع و مقابله در برابر هجوم رژیم بعثی برای تثبیت انقلاب بود. براساس محاسبات غلط حزب بعث عراق و قدرت‌های بزرگ، با وجود نظام تازه تاسیس در ایران و نداشتن پایگاه نظامی منسجم و قدرتمند؛ همچنین وجود درگیری‌های داخلی و خارجی با مخالفان و دشمنان، موقعیت تسهیل‌کننده‌ای برای تهاجم آنان به خاک ایران فراهم بود که می‌توانست موجب پیروزی عراق و تضعیف حکومت نوپای جمهوری اسلامی ایران شود.

وقوع جنگ در ۳۱ شهریور سال ۱۳۵۹ علی‌رغم فعالیت تخریبی گروهک‌ها و جناح‌های مخالف و برانداز داخلی از قبیل لیبرال‌ها، چپ‌ها و سازمان مجاهدین خلق که انقلاب را تهدید می‌کرد و نیز اختلاف‌هایی که در میان نیروهای انقلابی دیده می‌شد و وضعیت کشور را متزلزل کرده بود، باعث شد در فاصله کوتاهی این مسائل و چالش‌های انقلاب و مناقشات سیاسی با رهبری بی‌مانند امام خمینی (ره) و جناح‌های اسلام‌گرای طرفدار انقلاب اسلامی ایران فروکش کند و جای خود را به وحدت و انسجام نیروهای مردمی و انقلابی برای دفاع از کشور بدهد. بنابراین جنگ به رغم آنکه مانعی بزرگ بر سر راه اهداف انقلاب محسوب می‌شد، در بسیاری از جهات باعث تسهیل در نهادسازی انقلاب نیز شد؛ به طوری که اکثر محافظان و پیروان انقلاب در جبهه جنگ متمرکز شدند. از آنجایی که هزینه محافظت از انقلاب و دستاوردهای آن در میدان‌های جنگ برابر با نثار جان و جسم آنان بود، می‌توان تا حد زیادی تایید کرد که میدان‌های جنگ بیشترین تاثیر را در درونی کردن آرمان‌های انقلاب اسلامی داشته است.

بنابراین پژوهش حاضر به بررسی این سوال می‌پردازد که جنگ عراق علیه ایران چه تاثیری بر فرایند تثبیت انقلاب اسلامی داشته است؟ در پاسخ به این سوال، این فرضیه مطرح شده که جنگ تحمیلی و تهاجم رژیم بعث عراق به خاک ایران علی‌رغم اینکه با هدف

تضعیف انقلاب اسلامی و جلوگیری از نفوذ امواج آن به منطقه صورت گرفت، با گسترش روحیه وحدت و همبستگی ملی، در جهت تثبیت انقلاب اسلامی عمل کرد. برای بررسی و ارزیابی این فرضیه، با شیوه‌ای توصیفی-تحلیلی به بررسی و تحلیل شرایط موجود کشور در دوران جنگ و موضع نیروهای و جناح‌های مهم سیاسی درباره جنگ می‌پردازیم تا نشان دهیم چگونه دفاع مقدس، حفظ ارزش‌های اسلامی و انقلابی را به ارمغان آورد. دفاع مقدس تاثیر بسزایی در تثبیت انقلاب اسلامی ایران گذاشته است و نقطه عطفی در تاریخ، انقلاب و کشور به شمار می‌آید.

پیشینه پژوهش

درباره ایدئولوژی انقلاب اسلامی و نحوه مدیریت و دفاع در دوران جنگ تحمیلی همچنین تاثیر آن در شکل‌گیری و تثبیت هویت ملی-اسلامی پژوهش‌هایی صورت گرفته است که هر کدام به نحوی با بخش‌هایی از این پژوهش همپوشانی دارند؛ اما در حوزه پژوهش حاضر تاکنون تحقیقی مستقل، جامع و روشن ارائه نشده است. بنابراین این پژوهش سعی دارد تا به صورت واقع‌بینانه، جامع و علمی به بررسی تاثیر جنگ تحمیلی عراق علیه ایران بر تثبیت انقلاب اسلامی بپردازد که نقطه اصلی نوآوری و وجه تمایز آن با پژوهش‌های دیگر در همین امر است. برخی از مهم‌ترین مقاله‌هایی که می‌توان از آن‌ها به عنوان پیشینه پژوهش نام برد، عبارتند از:

_ ولی پور زرومی (۱۳۸۴) در مقاله‌ای با عنوان «هویت ملی و دفاع مقدس»، به بررسی جایگاه مقوله هویت ملی در دفاع مقدس پرداخته و در نهایت پس از بررسی ابعاد این موضوع به این نتیجه رسیده است که هویت ملی در دوران جنگ تحمیلی به مثابه زنجیره‌ای بود که موجب پیوند دفاع مقدس و انقلاب اسلامی می‌شد. بنابراین تهاجم عراق به خاک ایران علی‌رغم اینکه مانع بزرگی در مسیر رسیدن به برخی اهداف انقلاب به حساب می‌آمد؛ ولی عاملی تسهیل‌کننده در نهادینه‌سازی انقلاب اسلامی شد.

-کارکنان نصرآبادی (۱۳۸۴) در مقاله‌ای با عنوان «جنگ و هویت»، با رویکرد جامعه‌شناختی به جنگ ایران و عراق با استفاده از الگوی پارسونز به بررسی و تحلیل جامعه‌شناختی جنگ ایران و عراق و رابطه هویت و جنگ پرداخته است و بیان می‌دارد که ایرانیان

در دوران جنگ با تکیه بر اصول ایرانی بودن و داشتن هویت واحد دینی و ملی در برابر هجوم عراق به خاک ایران ایستادگی کردند و علی‌رغم وجود مشکلات اقتصادی، اجتماعی و روان‌شناختی به مقابله با هجوم دشمنان پرداختند.

_ ترابی (۱۳۸۵) در مقاله‌ای با عنوان «مقاومت‌گرایی ایدئولوژیک در دوران دفاع مقدس» به بررسی تاثیر ایدئولوژی انقلاب اسلامی در ایجاد و بازتولید قدرت ملی در دوران جنگ تحمیلی می‌پردازد. در واقع بیان می‌دارد که در دوران دفاع مقدس فرایندهای ایدئولوژیک از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شد که مهم‌ترین هدف آن ایستادگی و مقاومت در برابر فشارهای بین‌المللی و تهاجم عراق به خاک ایران بود و در نهایت به این نتیجه رسیده است که در دوران جنگ تحمیلی، مقاومت‌گرایی ایدئولوژیک ایران اسلامی افزایش یافت و انقلاب اسلامی از طریق مقاومت، قدرت‌سازی را بدست آورد و باعث مشروعیت‌سازی و همچنین مقبولیت‌سازی انقلاب ایران شد.

_ متقی (۱۳۸۸) در کتابی با عنوان «نظام دو قطبی و جنگ ایران و عراق» علل وقوع جنگ ایران و عراق را با ساختار دو قطبی نظام بین‌المللی مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهد و بیان می‌کند تهاجم عراق به خاک ایران در جهت مقابله با ساختار سیاسی و نظام ایدئولوژیک جمهوری اسلامی ایران، در چارچوب نظام دو قطبی به وقوع پیوسته است. در واقع نقش آمریکا، اتحاد شوروی و کشورهای اروپایی همانند فرانسه، آلمان و انگلیس را در شکل‌گیری و تداوم جنگ عراق علیه ایران را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. در نهایت به این نتیجه می‌رسد که به لحاظ تفاوت‌های فرهنگی و سیاسی عراق با ایران، با شکل‌گیری ایدئولوژی جدید در ایران بعد از انقلاب، نه تنها عراق بلکه کشورهای نظیر آمریکا و شوروی در صدد تضعیف انقلاب برآمدند. در نتیجه با توجه به حضور این کشورها و حمایت از صدام، زمینه شکل‌گیری رفتار واکنشی ایران نسبت به قدرت‌های بزرگ تشدید شد؛ بنابراین روحیه مقاومت و فرهنگ سیاسی شیعه در برابر هجوم مخالفان خارجی انقلاب اسلامی در کشور تقویت شد. در نهایت حمایت قدرت‌های بزرگ از عراق در ساختار نظام دو قطبی برای شکل‌دادن به توازن جدید در منطقه با شکست مواجه شد.

_ سمیعی اصفهانی و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «دفاع مقدس و تاثیر آن بر مولفه‌های ایرانی-اسلامی هویت ملی» به بررسی تاثیر دفاع مقدس بر ابعاد مختلف هویت

ایرانی_اسلامی ایرانیان پرداخته و در نهایت این فرضیه را مورد ارزیابی و اثبات قرار داده‌اند که دفاع مقدس توانسته است در واکنش به هویت مشروعیت بخش نظام بین‌المللی در دهه ۱۹۸۰ با بهره‌گیری از آموزه‌های انقلاب اسلامی و نیز ساختن جهان‌معنایی جدید، منطق نظام سلطه را به چالش کشیده و بدین ترتیب مولفه‌های ایرانی_اسلامی هویت ملی ایرانیان را تقویت کند.

_ باوریان و سهراب زاده (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «تبیین رویکرد اصلی مدیریتی دفاع از کشور در جنگ تحمیلی» به بررسی عملکرد و شیوه‌های رفتاری مدیران جنگ و دفاع در درون تهاجم عراق به ایران می‌پردازند و در نهایت پس از بررسی ابعاد این موضوع به این نتیجه می‌رسند که این جنگ با ارائه نمونه موفقی از مدیریت انقلابی که محصول جهان‌بینی امام خمینی (ره) و خلاقیت مدیران و فرماندهان عرصه‌های مختلف دفاع مقدس بود، رخداد تهدیدکننده‌ی تجاوز را به فرصتی برای باز تولید و تثبیت انقلاب اسلامی تبدیل کرد.

_ جاوید منتظران (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «دفاع مقدس و تاثیر آن بر اتحاد، انسجام و هویت ملی» به بررسی نقش دفاع مقدس در برابر هجوم رژیم بعث عراق به ایران در اتحاد ملی و انسجام اجتماعی پرداخته و در نهایت بعد از بررسی ابعاد این موضوع به این جمع‌بندی رسیده است که جنگ تحمیلی که نوعی دفاع از انقلاب اسلامی محسوب می‌شد، باعث شد پیوندی ناگسستنی میان جمهوری اسلامی و جامعه صورت پذیرد. در نهایت این پیوند، حامل ارزش‌های عمیق نظیر ایثارگری و از خودگذشتگی شد.

با توجه به پژوهش‌های ذکر شده و نیز تحقیقاتی که هر یک به طریقی با بخشی از این پژوهش مرتبط بوده و مورد استفاده محقق می‌باشند، پژوهش حاضر با پژوهش‌های قبلی این تفاوت اساسی را دارد که به بررسی و تحلیل عواملی که در فرایند تثبیت انقلاب اسلامی در دوران جنگ عراق علیه ایران نقش داشته و همچنین به رابطه میان جنگ تحمیلی و تثبیت انقلاب اسلامی می‌پردازد.

چارچوب مفهومی و نظری

جنگ به عنوان یک پدیده دگرگون‌کننده در طول تاریخ همواره به وقوع پیوسته و جوامع را دستخوش تغییر و تحول ساخته است. جنگ تأثیرات اساسی بر ساختار سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی جوامع می‌گذارد. جنگ‌ها موجب تغییر و تحولاتی در ساختار

جامعه می‌شوند و در نهایت ممکن است ساختار جدیدی را ایجاد کنند؛ بنابراین وقوع جنگ تحمیلی در اوایل پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، یکی از اساسی‌ترین عوامل تاثیرگذار در حوزه فرهنگی بوده است که به دنبال آن تمام مفاهیم فرهنگی از جمله ایثار، شهادت، جهاد و مقاومت مورد توجه قرار می‌گیرد. جنگ عراق علیه ایران از جمله موضوعاتی است که مورد توجه نظریه پردازان و تحلیل‌گران بسیاری قرار گرفته است. هر کدام از نظریه پردازان در مورد این موضوع سعی داشتند که شکل خاصی از تحلیل را ارائه دهند و هریک بر متغیرهای خاص درون ساختاری، منطقه ای و بین‌المللی تاکید دارند. در این مبحث به نظریه پردازان و تحلیل‌گرانی که به عنوان چارچوب نظری در این پژوهش می‌توانند مورد توجه باشند، پرداخته می‌شود. بعد از آن به نگرش امام خمینی (ره) پیرامون دفاع مقدس و جنگ تحمیلی عراق علیه ایران می‌پردازیم.

به عقیده هگل، جنگ عاملی است که می‌تواند آگاهی اجتماعی هر ملت را با مدیریت و کنترل از وحدت معنوی آن، در مقابل هر گونه فردگرایی تقویت کند. در واقع هگل، جنگ را به عنوان فعالیت برتر سیاسی بیان می‌کند. همچنین به عقیده وی وقوع جنگ، احساس مسئولیت‌های اخلاقی و سیاسی را که هر شهروند باید در برابر استقلال و دفاع از کشور خود داشته باشد، بیدار می‌کند. از نظر هگل، جنگ می‌تواند عامل تجلی یک وحدت جمعی یا روح عام در فرمان یا چهره رهبر جامعه باشد و بر این اساس، او جنگ را عامل هویت بخش جامعه می‌داند که مردم را در مسیر یک هدف و آرمان و با یک منش ملی به همکاری فرا می‌خواند (نصرآبادی، ۱۳۸۴: ۸۴-۸۳). به طور کلی در فلسفه سیاسی هگل، جنگ یک پدیده اجتماعی تاثیرگذار در انسجام و وحدت ملی در جهت دفاع از منافع کشور محسوب می‌شود. نگرش تالکوت پارسونز در مورد جنگ، که از منظر جامعه‌شناختی به بررسی آن می‌پردازد، بر این تأکید دارد که دو نوع رفتار و کنش اجتماعی را می‌توان در مردم یک جامعه دید، که اولی براساس منافع شخصی و دیگری بر منافع جمعی است. در تحلیل نهایی، رفتار فرد تحت تاثیر نهادهای دینی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی که آنها را خرده نظام اجتماعی می‌نامند، قرار می‌گیرد (کارکنان نصرآبادی، ۱۳۸۴: ۷۹). در واقع به عقیده پارسونز جامعه از چهار خرده نظام زیستی، شخصیتی، اجتماعی و فرهنگی تشکیل شده است، که هر یک از آنها از نهادها و سازمان‌هایی برخوردار هستند که هر خرده نظام را در جهت رسیدن

به اهدافش یاری می‌رساند. خرده نظام فرهنگی با آموزش و آماده کردن نیروهای بالقوه انسانی یک جامعه با ارزش‌ها هنجارهای موجود در جامعه، وظیفه تداوم و بقای این ارزش‌ها و هنجارها را برعهده دارد، با این اوصاف به عقده پارسونز این خرده نظام در یک رابطه سیبرنتیک بر سایر خرده‌نظام‌ها تسلط دارد (ودیع، ۱۳۸۱: ۱۳۵-۱۳۴).

بنابراین با نگاهی جامعه‌شناختی به جنگ عراق علیه ایران می‌توان نتیجه گرفت که این جنگ بر خرده نظام‌های جامعه تأثیرات شگرفی گذاشت. به عنوان مثال، خرده نظام اجتماعی که در آن انسجام و یکپارچگی جامعه مورد توجه است، جنگ باعث شد شرایط طبیعی جامعه مختل شود که اگر کنترل نمی‌شد، حیات اجتماعی ایران به مخاطره می‌افتاد؛ اما در دوران جنگ با تکیه بر ایرانی بودن و هویت ملی و دینی واحد-علی‌رغم وجود مشکلات گسترده اقتصادی، اجتماعی- ایرانیان به مقابله با دشمن در جهت منافع خود گام برداشتند (کارکنان نصرآبادی، ۱۳۸۴: ۸۲-۸۱).

نگرش ادیبی سده در زمینه جنگ این است که جنگ را عامل وفاق و انسجام اجتماعی می‌داند. به عقیده ادیبی جنگ‌ها در تقویت هویت خرده نظام‌های درون جامع نقش اساسی ایفا می‌کنند در واقع در محور قوم‌مداری، مردم یک جامعه می‌توانند با عوامل بیرونی ضد وحدت و هویت ملی مبارزه کنند و سرانجام به وحدت و یکپارچگی در تقویت منش ملی و در جهت افزایش مقاومت در برابر هجوم دشمن گام بردارند (منتظران، ۱۳۹۶). همچنین بنابر نظریه‌های کوزر و زمیل، جنگ‌ها در کاهش یافتن اختلافات و همچنین بحران‌های درون جامعه کمک بسیاری می‌کند (کارکنان نصرآبادی، ۱۳۸۴: ۸۴).

دیدگاه امام خمینی (ره) در مورد جنگ

امام خمینی (ره) هم جنگ و دفاع مقدس را عامل وحدت و انسجام جامعه دانسته، معتقد بودند جنگ مساله‌ای بود که مردم تصور می‌کردند ضررهای آن بسیار است، ولی نتایج آشکار شد که منافع آن بیشتر از ضررهایش بوده است. آن انسجام و وحدتی که در اثر جنگ، بین مردم نمایان شد و همچنین آن روحیه مقاومت در همه ملت از زن تا مرد تحقق پیدا کرد به سرتاسر جهان فهماند که این مساله‌ای که در ایران است با تمام مسائل دنیا متفاوت است (ناطق‌پور نوری و شاهقلیان قهفرخی، ۱۳۹۶: ۱۲۵). امام جنگ تحمیلی را عاملی

برای آگاهی، حرکت و خروج از تنبلی و سستی می‌دانست و می‌فرمودند: «وقتی که جنگی در کار می‌آید و حماسه‌ای وجود پیدا می‌کند، ... اینها، انسان را از آن حال خمودی و از آن حال سستی بیرون می‌کند و انسان آن واقع خودش را، که فعال است و متحرک، آن واقع را بروز می‌دهد و بیشتر متحرک می‌شود» (صحیفه امام، ج ۱۳: ۲۴۷).

در واقع این جنگ از دیدگاه امام خمینی (ره) «امتحان الهی» قلمداد شد که منافع آن برای ایجاد وحدت و انسجام میان تمام قشرها، بیشتر از ضررهایش بود. ایشان که از شناخت عمیقی نسبت به اهداف مخالفین داخلی و خارجی انقلاب اسلامی برخوردار بود در روزهای آغازین جنگ علت‌های اساسی تهاجم رژیم بعث عراق به خاک ایران را در چند مورد بیان کرده‌اند: ترس رژیم بعث عراق از تشکیل حکومت اسلامی و انسجام اسلامی در ایران، جلوگیری از صدور امواج انقلاب اسلامی به کشورهای منطقه، توسعه طلبی رژیم بعث عراق با هدف رهبری جهان عرب (باوریان و سهراب زاده، ۱۳۹۷: ۱۵۶). به عقیده امام خمینی، جنگ موجب شکوفایی استعدادها در میان ملت ایران، بدون حمایت هیچ ابرقدرت و کشوری شد: «مردم کارآزموده و متوکل ما با استعانت از ذات مقدس کبریا یکه و تنها و مظلومانه بر مشکلات بسیاری از طرح و عملیات و بسیج و آموزش نیروها تا نیاز تسلیحاتی کشورمان فائق آمده‌است. و علاوه بر موفقیت‌های اعجاز گونه ... در صحنه‌های دفاع از کشور اسلامی و بیرون راندن متجاوزین از هزاران کیلومتر، به تحولات شگرف صنعتی از قبیل راه اندازی کارخانجات و دیگرگونی در خطوط تولید و ساختن و اختراع ده‌ها وسایل پیشرفته و مدرن نظامی، آن هم بدون حضور هیچ مستشاری و بدون هیچ گونه کمک خارجی، دست یافته‌ایم» (صحیفه امام ج ۲۰: ۳۲۶). همچنین ایشان در مورد نقش جنگ تحمیلی بر تثبیت و صدور انقلاب اسلامی بیان می‌کنند: هرچند جنگ و دفاع از کشور خسارت بسیاری داشته و جوانان ارزشمند را از ما گرفت؛ ولی جنگ و مقاومت مردم در برابر آن نتیجه پر عظمت و شکوهمندی داشت. در واقع جنگ تحمیلی شکوه و عظمت اسلام و انقلاب اسلامی ایران را در سرتاسر جهان منتشر کرد (ناطق پورنوری، شاهقلیان قهفرخی، ۱۳۹۶: ۱۲۷).

بنابراین در جمع‌بندی و تحلیل این بخش بویژه با توجه به دیدگاه امام خمینی (ره) چند شاخص کلی نسبت به تأثیر جنگ عراق علیه ایران وجود دارد که عبارتند از: تأثیر جنگ و دفاع مقدس بر انسجام و وحدت، جنگ تحمیلی و رابطه آن با شکوفایی استعدادها، جنگ

عراق علیه ایران؛ عامل بیداری ملت، جنگ و تاثیر آن در تثبیت و بقای انقلاب اسلامی و همچنین جنگ و دفاع مقدس و خودباوری ملی.

با این اوصاف، آنچه پیرامون جنگ عراق علیه ایران بیشتر مورد توجه قرار گرفت، نقش آن در وحدت و انسجام نیروهای اجتماعی و مقاومت آنان در برابر تهاجم رژیم بعث عراق به کشور بود که موجب پیروزی در جنگ و تثبیت انقلاب اسلامی شد. کلمه وحدت و اتحاد هر دو بیان کننده یکی شدن، همبستگی، یکدلی، حرکت در یک مسیر واحد با برخورداری از یک جهت واحد براری رسیدن به مقصدی واحد می‌باشد (جمشیدی و ایران‌نژاد، ۱۳۹۱: ۱۶۴-۱۶۳). امام خمینی درباره مفهوم وحدت با اشاره به آیه شریفه «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» وحدت و اتحاد را امری یکسان می‌دانند، همچنین این امر واحد از دیدگاه ایشان عقیده و باور به توحید در جهان هستی است که ما اگر این وحدت کلمه را که برگرفته از اسلام است، حفظ کنیم تا آخر در برابر مسائل و مشکلات پیروز هستیم (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۲: ۲۵۱). در واقع مفهوم همبستگی و وحدت براساس مبانی فکری و اعتقادی با شکل گیری هویت ایرانی و اسلامی با انقلاب اسلامی همسو بود و در جنگ ایران و عراق گسترش پیدا کرد. لذا در اینجا وحدت و اتحاد با مبانی اعتقادی و آرمانهای انقلاب اسلامی همراه بوده است. به عبارت دیگر، وحدت و انسجام اسلامی از مسائل مهم دین اسلام است که امام خمینی همه مردم ایران را از هر نژاد و زبان و مذهبی به ایجاد و تداوم وحدت ملی دعوت کرده است و بیان داشته است که وحدت بین افراد یک جامعه موجب می شود دست-یابی به اهداف و آرمانها سریع‌تر و بهتر شود (استیری، ۱۳۸۶: ۱۴۶-۱۴۵).

الوین تافلر، نویسنده معروف آمریکایی در کتاب «جنگ و پاد جنگ» ایجاد بسیج عمومی را نتیجه فرایند ملی گرایی و ملت سازی در جهان جدید و در جنگ های عصر صنعتی شدن تلقی می کند. به عبارتی در اینجا درگیر جنگ و دفاع می شوند؛ چرا که با یکدیگر دارای اشتراک منافع و همبستگی می باشند (ولی‌پور زرومی، ۱۳۸۴: ۱۱۷-۱۱۶).

دفاع مقدس و انسجام و وحدت

انسجام یا وحدت ملی به معنای ورود افراد در یک محیط ملی و فرهنگی و احساس تعلق به چارچوب و زیرساختها و همچنین شرایط اجتماعی که در آن هستند، به عبارتی، انسجام از نظری مفهومی به معنای پذیرش و جذب شدن در ارزش و هنجارهای ملی است

(منتظران، ۱۳۹۶). در این میان عواملی در درونی کردن ارزش‌ها و هنجارهای ملی و شکل‌گیری انسجام نقش دارند. جنگ تحمیلی عراق علیه ایران یکی از عوامل موثر در انسجام و وحدت ملی جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌آید.

به طور کلی، همه صاحب‌نظران در حوزه دفاع مقدس و جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، بر این اعتقاد هستند که دفاع مقدس، جلوه‌گر وحدت و انسجام ملی بود، همانطور که امام خمینی (ره) جنگ را عامل وحدت و انسجام ملی می‌دانستند، دفاع مقدس هم عاملی در جهت نزدیک شدن تمام اقشار جامعه و اتحاد آنان و همچنین ایجاد فرصتی برای تثبیت انقلاب اسلامی ایران شد.

جناح اسلام‌گرا به رهبری امام خمینی (ره) در زمان هجوم صدام به کشور، نقش قابل‌توجهی در بسیج و انسجام نیروها برای حضور در خط مقدم و دفاع از کشور ایفا کرد. با توجه به اینکه امام به عنوان رهبری عرفانی که در بطن جامعه قرار داشت، در این دوران با برخورداری از درک و شناخت کامل اهداف این تهاجم و همچنین عواقب عدم دفاع و مقاومت در برابر آن، همواره بر وحدت و اتحاد مردم برای دفاع از تمامیت ارضی کشور و آرمان‌های انقلاب تاکید می‌کردند. در میان جناح اسلام‌گرا، حزب جمهوری اسلامی، جامعه مدرسین حوزه علمیه قوم، جامعه روحانیت مبارز تهران، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران، جمعیت موفقه اسلامی، حزب توحید و حزب الله، از گروه‌ها و طرفداران برجسته این جریان بودند (باوریان، سهراب زاده، ۱۳۹۷: ۱۶۰).

امام خمینی با مدیریت قاطع خود در بحران جنگ با عنایت به ادای تکلیف الهی و در راستای وظایف شرعی نقش مهم و تاثیرگذاری بر رفتار مردم و بسیج آنان در تمامی مراحل انقلاب و به ویژه جنگ تحمیلی داشتند. بنابراین در این راستا بازخوانی و تدوین برنامه‌ها و مواضع مدیریتی امام و رهبری ایشان ما را به نزدیک‌ترین منبع برای شناخت شیوه رهبری در جنگ که موجب تثبیت و تداوم انقلاب نیز شد و همچنین تصویر یک الگوی رهبری اسلامی هدایت می‌کند. به طور کل امام خمینی تحولات سیاسی و اجتماعی را در چارچوب مباحث دینی مورد ارزیابی قرار می‌داد و ماهیت تجاوز عراق به خاک ایران و هدف اصلی این اقدام را در چارچوب «اسلام و کفر» و «حق و باطل» تفسیر می‌کرد. بنابراین ایشان در تمام مراحل جنگ با عراق، مواضع تدافعی ایران را در جهت حفظ اسلام و آرمان‌ها انقلاب اسلامی بیان می‌کردند، و شکست ایران را

در برابر رژیم بعثی عراق را که وابسته به قدرت های جهانی و در راستای یک هدف، برای تضعیف و به حاشیه کشیدن انقلاب بود، شکست اسلام می دانستند (باوریان و سهراب زاده، ۱۳۹۷: ۱۷۰). رهبر انقلاب با روشن کردن ماهیت جنگ و متجاوزان به رفع سوالات و شبهاتی که از طرف مردم و جناح های مختلف در مورد جنگ پیش آمده بود، پرداخته و موجب انسجام و پیوند روزافزون جامعه برای دفاع در برابر متجاوزین شدند. در واقع با روایت معنوی و مذهبی از جنگ و دفاع؛ همانند انقلاب اسلامی، سبب تحول روحی مردم، شهادت طلبی، پیروزی در برابر کفار و قدرتمند شدن اسلام و نظام دینی شدند. در نتیجه، این روایت معنوی که جنگ همانند انقلاب در جهت حفظ اسلام و با هدف اسلام خواهی صورت گرفته است، موجب به حاشیه راندن جریان های ملی- مذهبی و لیبرالی در طول دوران جنگ شد. بنابراین گفتمان انقلاب اسلامی تفکر غالب در نحوه جنگ و دفاع از کشور شد.

انقلاب اسلامی و نظام سیاسی و دینی برآمده از آن، نقش تاثیرگذاری را در فرایند شکل گیری اتحاد و انسجام ملی در دوران جنگ تحمیلی ایفا کرده است، از آنجا که رژیم بعثی عراق دلیل شروع جنگ را جلوگیری از صدور انقلاب اسلامی و نابودی آن اعلام کرد، در واقع این مسئله موجب شد تا اکثریت مردم که در شکل گیری این انقلاب نقش داشته اند، به دفاع از انقلاب با حضور در جبهه های دفاع مقدس، علاوه بر این که اتحاد و انسجام ملی را به نمایش گذاشتند، از هویت سیاسی و دینی خود نیز دفاع کردند (منتظران، ۱۳۹۶).

همانطور که بیان شد، عامل اصلی که موجب متحد شدن مخالفین علیه انقلاب اسلامی و وقوع جنگ هشت ساله عراق علیه ایران شد، ایدئولوژی حاکم بر انقلاب اسلامی و رهبران آن بود. همین ایدئولوژی انقلاب اسلامی باعث تداوم مقابله در برابر هجوم دشمن به خاک ایران شد، هر چند در درون کشور با اختلافات و بحرانی هایی برای تثبیت انقلاب روبه رو بودیم. ایدئولوژی انقلاب اسلامی که طرفداران مهم آن جناح های اسلامی (مکتبی) بودند، توانست نیروهای سیاسی گوناگونی را که با الگوی اسلامی و رهیافتهای امام خمینی ارتباط نزدیکی داشتند، با یک دیگر متحد کند که در نهایت، زمینه ایجاد ایدئولوژی مسلط را در درون کشور بویژه در دوران جنگ، فراهم آورد (ترابی، ۱۳۸۵).

به طور کلی تفسیر سیاسی و اعتقادی جناح اسلام گرا از ماهیت جنگ باعث شکل گیری مولفه اصلی قدرت دفاعی برای مقابله با تهاجم رژیم عراق شد که همان حضور گسترده

نیروهای انقلابی و مردم بود و همین تفسیر، حس برادری و وطن پرستی را در نهاد یکایک مردم تقویت کرد که در تمام زوایای جنگ کاملاً مشهود بود. در نتیجه، افزایش بسیج مردمی و تقویت روحیه آنان در دوران جنگ، باعث پیروزیهای پی در پی ایران شد که این به مثابه پیروزی اسلام بر کفر شمرده می‌شد؛ به عبارت دیگر، اتحاد و انسجام مردمی موجب تثبیت و بقای انقلاب اسلامی شد. در واقع نگرش دینی به جنگ توسط جریان‌های اسلامی، موجب کم‌رنگ شدن نگرشهای ملی و میهنی از جنگ شد، و نه تنها جنگ به محلی برای تثبیت و تداوم حیات گفتمان اسلام مکتبی شد، بلکه موجب انسجام و وحدت نیروهای مبارز با هدف پیروزی ایدئولوژی انقلاب اسلامی در مقابل نیروهای بعثی، شد (پورسعید، ۱۳۹۱: ۲۵-۲۳). همانطور که در دیدگاه جامعه‌شناختی پارسونز، که جنگ را عاملی تاثیر گذار بر خرده نظامهای اجتماعی بویژه خرده نظام فرهنگی می‌داند.

جنگ تحمیلی و خودباوری ملی و شکوفایی استعدادها

با هجوم رژیم بعثی عراق به خاک ایران با این تصور که به دلیل اختلافات و درگیری‌های سیاسی و همچنین نبود امکانات دفاعی و ارتش منسجم و قدرتمند، می‌تواند به راحتی به کشور مسلط شوند و نظام اسلامی تازه تاسیس را تضعیف و مانع اشاعه آن به خارج از مرزهای ایران شوند. در واقع انقلاب بهمن ۵۷ در کشور باعث شگفتی تمام بازیگران درون کشور، چه قدرت‌های داخلی و چه قدرت‌های بزرگ خارجی شد و همه آنان می‌کوشیدند اوضاع کشور را تحت کنترل خود درآورند، بنابراین در اوایل پیروزی انقلاب اسلامی و در زمانی که هنوز جمهوری اسلامی به طور کامل استقرار یافته بود، صحنه درگیری و اختلاف روز به روز افزوده می‌شد و شرایط کشور را متزلزل می‌کرد. بر همین اساس قدرت‌های برتر جهانی و کشورهای منطقه، بویژه عراق را مصمم به هجوم به خاک ایران می‌کرد.

برخلاف گروه‌های مخالف انقلاب اسلامی از قبیل لیبرالها، منافقین، چپ‌ها و مارکسیستها که در دهه اول پیروزی انقلاب برای دستیابی به قدرت با جناح‌های طرفدار انقلاب و پیروان خط امام به رقابت پرداختند و در زمان شروع جنگ عراق علیه ایران، رقابت و مخالفت خود در برابر نظام سیاسی اسلامی را کاهش ندادند، اکثریت این گروه‌های وابسته به چپ با تغییر فضای سیاسی و رویکرد نظام اسلامی ایران در دوران جنگ، تا اوایل سال ۱۳۶۲ و با تشدید

فشار و سرکوب آنان، همانند دیگر جناحهای مخالف، غیرقانونی اعلام شدند و در نتیجه به انزوا کشیده شدند. به طوری که مازیار بهروز در کتاب «شورشیان آرمانخواه، ناکامی چپ در ایران»، بیان می‌کند؛ این دوره برای جنبش گروه‌های کمونیستی در ایران، به مانند رقص مرگ بود، که در آن موجودیت جنبش، به توانایی اش در انطباق دادن خود با محیط اجتماعی پس از انقلاب اسلامی بستگی داشت (بهروز، ۱۳۸۰، ۱۸۳-۱۸۲).

با این اوصاف، با شکل‌گیری هویت اسلامی و ایدئولوژی انقلاب اسلامی ایران که بر اصل خوداتکایی و عدم وابستگی به کمک و حمایت دیگران استوار بود، از یک سو با وقوع جنگ تحمیلی و آشکار بودن اهداف این جنگ و از سوی دیگر مدیریت کامل و بدون نقض رهبر انقلاب و پیروان خط امام، نه تنها ایدئولوژی انقلاب را تضعیف نکرد، بلکه با سرکوب مخالفین داخلی و نهادینه شدن هویت اسلامی موجب انسجام و وحدت در بین اقشار مختلف جامعه و در نهایت تقویت خودباوری ملی و شکوفایی استعدادها شد.

بنابراین از جمله تحولاتی که در طول هشت سال دفاع مقدس رخ داد، شکل‌گیری نوآوری، خلاقیت‌ها و اعمال بدیعی که در ابعاد مختلف صورت گرفت. از ابتکار عمل رهبر انقلاب اسلامی در مسائل و تصمیمات جنگ گرفته تا ابتکار و نوآوری نیروهای انقلابی در مسیر دفاع از کشور. از دیگر برکات دفاع مقدس، تقویت اعتماد به نفس و خودباوری ملی بوده است در واقع در دوران جنگ و دفاع مقدس نیروهای انقلابی به این نتیجه مهم رسیدند تنها راه دستیابی به پیروزی در برابر دشمن، توجه به توانایی‌های خود و تقویت اعتمادبه‌نفس و روحیه خوداتکایی است، همانطور که حضرت امام فرمودند: «ما در این جنگ اُبَهِت دو قدرت شرق و غرب را شکستیم». شکست این اُبَهِت نه تنها در صحنه‌های نبرد، بلکه در تمام صحنه‌ها به دست آمد. با خودباوری و اعتمادبه‌نفس ایجاد شده بین تمام اقشار جامعه در این دوران، به پیشرفت‌ها و ابتکاراتی رسیدیم که تحسین دوست و دشمن را برانگیخت.

با وجود اتحاد و انسجام ملی در زمان جنگ، باعث شکل‌گیری فعالیت‌های متکی بر توانایی‌های کشور برای تولید سلاح و بدست آوردن ارزاق در شرایط بد اقتصادی و تحریم‌های آن دوران شد، بنابراین موجب انواع ابداعات و اختراعات گردید. بدین ترتیب در پی جنگ هشت ساله عراق علیه ایران، از طرفی قرار گرفتن نظام سیاسی و اجتماعی کشور در یک موقعیت خوب، از طرف دیگر با تحریم‌های اقتصادی و نیاز مبرم به سلاح، فعالیت‌های

تولیدی صنایع نظامی ایران تا حدودی پیشرفت کرد. دوران دفاع مقدس با گسترش روحیه خوداتکایی و بسیج عمومی با مدیریت و رهبری بی‌مانند امام خمینی (ره)، شاهد افزایش اعتماد به نفس و خودباوری در بین تمام اقشار جامعه هستیم، در واقع این خودباوری و ایمان به توانایی مردم در جهت دفاع از کشور و ارزش‌های انقلاب اسلامی باعث شکوفایی استعدادها در حوزه نظامی و همچنین تقویت روحیه در میدان‌های مبارزه، پیروزی‌های پی‌درپی و همچنین پایداری ملت در برابر فشارهای اقتصادی شد.

دفاع مقدس علاوه بر اینکه یک آزمون مهم برای ملت بود، آزمونی هم بود برای بروز استعدادها و تواناییها در سطح کشور، در واقع دفاع مقدس وسیله‌ای برای شکوفایی استعدادهای ناشناخته در انسانها شد (سایت دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۷/۸). همانطور که امام خمینی (ره) بیان می‌کنند: «ما در جنگ به این نتیجه رسیده‌ایم که باید روی پای خودمان بایستیم، در تحریم‌های اقتصادی که در دوران جنگ تحمیلی پیش آمد، ما شاهد آن بودیم که چگونه نیروهای نظامی قطعات و سلاحهای جنگی را خودشان درست کردند، همچنین امام بر این باور بودند که جنگ و دفاع مقدس، موجب پیشرفت و شکوفایی استعدادها شده است (پرتال امام خمینی، ۱۳۹۷/۷/۷). در واقع به عقیده امام خمینی (ره) و اندیشمندان و رهبران نظام اسلامی، استقلال‌خواهی عاملی جهت رشد استعدادها و خلاقیت‌ها است که در جنگ عراق علیه ایران با روحیه خوداتکایی و استقلال‌خواهی مردم ایران، جنگ زمینه‌ای برای شکوفایی و خلاقیت شد. به‌طور کلی، در جنگ هشت‌ساله دفاع مقدس علی‌رغم وجود مشکلات متعدد در کشور ولی با تقویت و نهادینه شدن هویت ایران-اسلامی و خوداتکایی و باور به تواناییهای داخلی در جهت پیروزی و دفاع از منافع ملی در کشور، پررنگ‌تر شد و دفاع مقدس عاملی در جهت رشد و توسعه شکوفایی استعدادها و ملت بود. به عبارتی این اعتماد به نفس و خودباوری در جهت تثبیت و تداوم انقلاب اسلامی نیز نقش موثری ایفا کرد.

جنگ عامل بیداری ملت

با هجوم رژیم بعث عراق به خاک ایران، دو راه بیشتر برای ایران وجود نداشت؛ یا تصمیم به مقاومت و دفاع از منافع کشور، یا تسلیم شدن در برابر خواسته‌های صدام و پناه

بردن به آمریکا در جهت فشار آوردن صدام برای عقب نشینی و در نهایت تضعیف انقلاب اسلامی. اما این شرایط، با وجود همه دشواری و سختی‌ها، امام خمینی (ره) را در مسیر تصمیم‌گیری دچار شک و تردید نکرد و ایشان با روحیه مبارزه و جهادی، رهبری و مدیریت دفاع هشت ساله از کشور و انقلاب اسلامی را با درایتی بی‌نظیر برعهده گرفت. امام خمینی (ره) در رهبری جنگ تحمیلی عراق علیه ایران بر تمام سازمان‌ها و نهادهای مربوط به دفاع مقدس اشراف و نظرات کامل داشت و گزارشات بسیاری از طریق نمایندگان ایشان با حضور در تشکیلات سیاسی، نظامی و نیز نظارت بر عملکرد فرماندهان، همچنین مسائل جزئی جنگ اعم از تجهیزات جنگی، عملکردها و وضعیت روحی و جسمی رزمندگان به امام ارائه می‌شد و ایشان با دقت آنها را بررسی می‌کرد (ارجینی و علیمردی، ۱۳۹۴: ۱۴۱-۱۴۰).

تصمیم بر دفاع از منافع کشور با هجوم رژیم بعثی عراق، علی‌رغم سختی‌ها و مشکلات موجود، با توجه ایدئولوژی انقلاب اسلامی و رویکرد رهبر انقلاب، جنگ عراق علیه ایران را جنگ با ارزش‌ها و هنجارهای انقلاب می‌دانستند، بنابراین نه تنها نیروهای نظامی بلکه عموم مردم را به بسیج شدن برای دفاع از کشور و ایدئولوژی انقلاب تشویق کردند. در واقع براساس ایدئولوژی انقلاب اسلامی، تا پایان جنگ، چارچوب اصلی دفاع از کشور قرار گرفت؛ به عبارت دیگر، آرمانها و ارزشهای انقلاب اسلامی، عاملی بود برای بیداری ملت در برابر بحران‌هایی که می‌توانست سبب تضعیف و شکست کشور و انقلاب اسلامی در برابر مخالفین شود. در واقع نظام اسلامی و هدایت‌ها و راهنمایی‌های امام خمینی (ره) و پیروان ایشان، مبنای بیداری ملت در این دوران بود (ترابی، ۱۳۸۵: ۵).

حضرت امام در مسند فرماندهی کل قوا علاوه بر کنترل و نظارت بر سازمان‌ها و نهادهای داخلی در جهت دفاع از منافع کشور و انقلاب اسلامی در طی دوران جنگ هشت ساله تحمیلی، سازماندهی نیروها و نیز چگونگی به کارگیری آنان در مقابل دشمنان را برعهده داشت و با بصیرت عمیق ایشان، قلمرو سازمانی نیروهای دفاعی از محدوده نیروهای نظامی و ارتش و سپاه فراتر رفت و تمام مردم کشور را از همه طبقات تشویق به حضور در جبهه‌های جنگ کرد. امام خمینی (ره) در جهت بسیج مردم در دفاع از کشور در دوران دفاع مقدس، به مردم ایران هشدار می‌داد خود را مهیا سازند و با اسلحه‌های خود در حالت آماده باش باشند (ارجینی و علیمردانی، ۱۳۹۴: ۱۴۲). رهبر انقلاب علاوه بر نظارت، رهبری و سازماندهی مسائل مربوط به جنگ، نه تنها به

مقابله با عواملی داخلی که باعث اختلال و مانع در پیشبرد اهداف جنگ می شدند، پرداخت، بلکه با بازداشتن نیروها از توجه به مسائل داخلی و همچنین با خنثی کردن فعالیت گروه‌ها و جناح‌های مخالف انقلاب اسلامی، سعی در تقویت جبهه‌های جنگ داشت. به طور کلی رهبر انقلاب اسلامی، در دوران جنگ عراق علیه ایران، براساس ماهیت اسلامی و دینی انقلاب بهمن ۱۳۵۷ و شکل‌گیری اسلام سیاسی و آموزه‌های آن، علی‌رغم وجود سختی‌ها و آسیب‌های فراوان در شرایط متزلزل داخلی، دفاع در برابر هجوم نیروهای عراقی را امری واجب می‌دانست که با مدیریت بی‌نقص و آموزه‌ها و سیره ایشان باعث بیداری ملت و در نهایت تقویت روحیه نیروهای دفاعی برای مقاومت و دفاع از کشور در برابر تهاجم عراق (با حمایت قدرتهای بزرگ غربی) شد. در نهایت، این جنگ تبدیل به فرصتی در جهت رشد و تعالی معنوی انقلاب اسلامی و تثبیت و تداوم آن شد.

به طور کلی، وقوع جنگ تحمیلی که با مسئله انقلاب اسلامی انفکاک‌ناپذیر است، رابطه‌ای دو سویه میان این دو برقرار شد که باعث نهادینه شدن هویت شکل گرفته در گفتمان انقلاب اسلامی و همچنین بیداری ملت شد. در دوران جنگ تنها عاملی که می‌توانست مردم را برای مقابله با تهدیدات پیش‌رو و همچنین پیشبرد اهداف انقلاب بسیج کند، اسلام و آرمانهای انقلاب بود، اسلام به عنوان محور اصلی هویت ملی در دوره بعد از پیروزی انقلاب، مورد توجه قرار گرفت و به تبع آن نیز در دوران جنگ عراق علیه ایران، با اسلام و هدایت و رهبری امام خمینی (ره) پیونده خورده بود (ولی‌پور زرومی، ۱۳۸۴: ۱۰۱-۱۰۰). با پیروزی انقلاب، هویت شکل گرفته ایرانی-اسلامی، در طی دوران اولیه تثبیت با بحران‌هایی روبه‌رو بود و وقوع جنگ در کشور، با توجه به ایدئولوژی انقلاب، موجب تقویت هویت اسلامی و ملی در کشور و در نهایت بیداری مردمی و به دنبال آن باعث تقویت انگیزه وحدت، دفاع و مبارزه در جهت منافع کشور و در آخر تثبیت و بقاء انقلاب اسلامی شده است.

دفاع مقدس و تثبیت انقلاب اسلامی ایران

با پیروزی انقلاب اسلامی، نظام نوپای اسلامی، نیاز به تثبیت و نهادینه کردن هنجارها و ارزشهای اسلامی داشت که از اوایل فرایند تثبیت با مشکلات و چالش‌های متعددی مواجه بود. در واقع بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و همچنین آغاز دوران تثبیت آن، با وجود آمدن فضای باز

سیاسی این فرصت برای تمام گروه‌ها و جناح‌های داخلی فراهم شد؛ بنابراین تمامی احزابی که در رژیم قبل اجازه حضور در مسائل سیاسی و فعالیت‌های آشکار را نداشتند، اجازه حضور مستقیم را در نظام تازه تاسیس پیدا کردند و در مورد این موضوع بسیار امیدوار بودند که پایگاه اجتماعی گسترده‌ای را در اکثریت جامعه کسب کنند.

به طور کلی، جریانهای ضد انقلابی لیبرال‌ها در فضای متزلزل داخلی ایران در اوایل انقلاب و مراحل اولیه تثبیت آن، جنبش مارکسیستی هم در طول چند ماه بلافاصله بعد از سقوط رژیم سابق، این فرصت را پیدا کردند تا در مقیاس توده‌ای به سازماندهی بپردازند، علی‌رغم آنکه بسیاری گمان می‌کردند این جناحها به موفقیت‌های چشمگیری برسند؛ ولی عمر آنها بسیار کوتاه بود، در میان مارکسیت‌ها، گروهایی از قبیل فدائیان خلق که پس از انقلاب در خرداد ۱۳۵۹ به دو گروه اکثریت و اقلیت تقسیم شدند، و نیز مجاهدین خلق و سازمان پیکار، برجسته بودند، به طور کلی همه این گروه‌ها مخالف سرسخت جمهوری اسلامی ایران به حساب می‌آمدند، که در بین این سازمان‌ها و گروه‌های گوناگون مارکسیستی، فدائیان خلق خود را به عنوان بزرگترین سازمان مخالف انقلاب اسلامی معرفی کردند که دست به اقدامات مسلحانه و تروریستی می‌زدند.

در نهایت، سرکوب گروه‌های مخالف انقلاب که باعث بروز اختلافات و درگیریهای گوناگونی در سطح داخلی شده بودند، در اوایل جنگ از شدت بیشتر برخوردار بود که اگر با مدیریت دقیق و کامل جلوی اختلاف افکنی این گروه‌ها و همچنین سرکوب و مانع‌فعالیت آنان گرفته نمی‌شد، روحیه مقاومت نیروهای مردمی را در برابر دفاع از کشور می‌گرفت و موجب دلسرد شدن آنان برای پیروزی در جنگ می‌شد. به طور کلی، به انزوا کشیدن و شکست نیروهای مخالف داخلی در طی دروان جنگ عراق علیه ایران از دلایل عمده‌ای برخوردار بود. یکی از اصلی‌ترین دلایل آن نداشتن آگاهی از ماهیت و ارزشهای انقلاب اسلامی و عدم توانایی این گروه‌ها در جهت انطباق دادن با خواسته‌ها و هویت جدید شکل گرفته در درون جامعه بود که به همین دلیل از پایگاه اجتماعی کمی برخوردار بودند و در نهایت با تسلط کامل جناح‌های اسلام‌گرا با رهبری امام خمینی (ره) بر نظام سیاسی کشور، به آسانی تا سال ۱۳۶۲ در و اوایل جنگ از آرایش سیاسی کشور خط خورده و به انزوا کشیده شدند. با این اوصاف با وقوع جنگ تحمیلی بلافاصله بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و فضای

متزلزل سیاسی کشور، در طی دوران هشت سال جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، علی‌رغم وجود جناح‌ها و گروهک‌های مخالف در اوایل جنگ نه تنها جنگ عاملی برای تضعیف کشور و انقلاب نشد، بلکه با مدیریت و کنترل دقیق امام و پیروان ایشان که به مکتبی‌ها معروف بودند، دولت توانست بر این گروه‌ها مسلط شده و آنها را به انزوا بکشاند و در نهایت، تمام توجه مردم و نیروهای انقلابی بر سر یک موضوع و آن هم دفاع از کشور و ایدئوژنی انقلاب، معطوف شد.

بنابراین با وقوع جنگ تحمیلی در اوایل انقلاب اسلامی، اکثر حافظان و پیروان انقلاب در جبهه‌های جنگ متمرکز شدند، از آنجایی که هزینه محافظت از انقلاب و دستاوردهای آن در میدان‌های جنگ برابر با نثار جان و جسم بود، می‌توان تا حد زیادی مطمئن بود که دفاع مقدس و مقاومت نیروهای انقلابی و بسیج مردم در این دوران بیش از دیگران و جریانات، انقلاب اسلامی را درونی کردند (صدیق اورعی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۴-۲۳). به طور کلی، به عقیده اکثر اندیشمندان انقلاب اسلامی، با هجوم رژیم بعثی عراق به ایران، علی‌رغم نبود یک ارتش منسجم در کشور و هرج و مرج داخلی، در این دوران، با فروکش کردن اختلافات داخلی و شکل‌گیری بسیج عمومی از تمام اقشار جامعه، تقویت روحیه خودباوری و خودتکایی با توجه به ارزش‌های انقلاب اسلامی و به دنبال آن با شکوفایی استعدادها و همچنین افزایش اعتماد به نفس نیروهای انقلابی، در نهایت، جنگ هشت ساله عراق علیه ایران، تثبیت و تداوم انقلاب اسلامی را به ارمغان آورد. همانطور که شهید آوینی اصلی‌ترین دستاورد جنگ را انقلاب اسلامی بیان می‌کند و در توضیح آن می‌گوید، اگر جنگی نبود، انقلابی هم وجود نداشت، در واقع تا قبل از جنگ تعریف مشخصی از انقلاب و اسلام نداشتیم، ما معنای انقلاب را در دوران دفاع مقدس و جنگ فهمیدیم (درودیان، ۱۳۷۸: ۳۳).

نتیجه‌گیری

علت اصلی شروع جنگ عراق علیه ایران، وجود انقلاب اسلامی و مهار امواج آن در منطقه بود. بنابراین با آغاز جنگ، جمهوری اسلامی ایران دو راه برای دفاع از کشور در پیش-رو داشت؛ نخست اینکه با توجه به شرایط متزلزل داخلی و عدم شکل‌گیری نظام حکومتی با ثبات در اوایل انقلاب، وارد جریانات بین‌المللی و سیاسی شود که این راه مستلزم امضای قرارداد صلح و واگذاری بخش‌هایی از خاک کشور به عراق بود و چیزی جز انفعال و تضعیف نظام اسلامی در برنداشت. این موضع مورد قبول بنی‌صدر و جناح ملی‌مذهبی وی بود. دومین راه این بود که با اتکا به توان داخلی و اتحاد و انسجام نیروهای مردمی به مقاومت و دفاع در برابر هجوم رژیم بعث عراق بپردازد و این موضع با گفتمان اسلامی- ملی که براساس اندیشه امام خمینی و رهبران انقلاب شکل گرفته بود، تطابق داشت.

بنابراین هدف نهایی کشور مقابله با نیروهای متهاجم عراقی با اتکا بر نیروهای مردمی و انقلابی قرار گرفت که ماه‌ها عسل آن انسجام و وحدت نیروها و جناح‌های انقلابی و فروکش کردن اختلافات درونی، شکوفایی استعدادها و خودباوری ملی، بیداری ملت و در نهایت، تثبیت و بقای نظام اسلامی و ارزش‌های انقلاب شد. سرانجام با گذشت هشت سال از تهاجم عراق و مقاومت و دفاع مردم در برابر هجوم نیروهای بعثی، پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل در سال ۱۳۶۷ از سوی ایران اعلام شد. در واقع رهبران انقلاب و فرماندهان ارتش و سپاه مصلحت‌کشور را آتش بس و پذیرش قطعنامه می‌دانستند که به عقیده تحلیل‌گران این حوزه پذیرش نه تنها شکست و تضعیف انقلاب را در پی نداشت، بلکه موجب ثابت کردن روحیه صلح‌گرایی نظام اسلامی به جهانیان شد. در نتیجه هم در داخل و هم در بیرون مرزها این جنگ باعث انفعال و شکست انقلاب اسلامی نشد.

کتابنامه

- ارجینی، حسین و زهرا علیمردادی (۱۳۹۴). «راهبردهای امام خمینی (ره) در مدیریت دفاع مقدس»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۴۲، پاییز، صص ۱۵۸-۱۳۹.
- استیری، اکرم (۱۳۸۶). «وحدت ملی و انسجام اسلامی در سیره‌ی نظری و عملی امام خمینی»، فصلنامه حوزه، شماره ۶۳، زمستان، صص ۱۵۶-۱۳۵.
- امام خمینی، روح الله (۱۳۷۸)، صحیفه امام (جلد دوازدهم)، تهران: انتشارات عروج.
- باوریان، فریده و فاطمه سهراب‌زاده (۱۳۹۷)، «تبیین دو رویکرد اصلی مدیریتی دفاع از کشور در جنگ تحمیلی»، فصلنامه مطالعات دفاع مقدس، شماره ۲(۱۴)، تابستان، صص ۱۸۴-۱۵۱.
- بهروز، مازیار (۱۳۸۰). شورشیان آرمانخواه، ناکامی چپ در ایران، تهران: ققنوس.
- پورسعید، فرزاد (۱۳۹۱). «امام خمینی(ره) و مدیریت نرم دفاع ملی؛ مطالعه موردی: جنگ تحمیلی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال پانزدهم، شماره ۳، پاییز، صص ۲۹-۸.
- ترابی، طاهره (۱۳۸۵). «مقاومت گرایبی ایدئولوژیک در دوران دفاع مقدس»، ماهنامه زمانه، شماره ۵۴ و ۵۳، دی و بهمن، صص ۶۸-۵۹.
- جمشیدی، محمدحسین و ابراهیم ایران‌نژاد (۱۳۹۱). «ویژگی‌های همبستگی و وحدت اسلامی در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)»، پژوهشنامه مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۲، بهار، صص ۱۸۶-۱۶۱.
- چهرآزاد، سعید (۱۳۹۸). «وانموده‌های سیاستگذارانه پسا دفاع مقدس در حیطه روابط خارجی ایران»، فصلنامه مطالعات دفاع مقدس، ۵(۴)، صص ۱۲۷-۱۴۴.
- حاجی زاده، سیروس (۱۳۸۶). «آسیب شناسی انقلاب اسلامی؛ چالش‌های گفتمان وحدت در انقلاب اسلامی (۱) (دوران استقرار و تثبیت نظام جمهوری اسلامی)»، نشریه پانزده خرداد، شماره ۱۴، زمستان، صص ۷۸-۳۳.
- خان‌احمدی، اسماعیل (۱۳۹۸). «تحلیل مضمون برکات دفاع مقدس در اندیشه امام خمینی(ره)»، فصلنامه مطالعات دفاع مقدس، ۵(۱)، صص ۱۱۵-۱۳۶.
- خانجانی، قاسم (۱۳۹۸). «راه‌های مقابله با نفوذ فکری و فرهنگی در اندیشه رهبر معظم انقلاب اسلامی آیت الله خامنه‌ای(مدظله العالی)». فصلنامه مطالعات قدرت نرم، ۹(۱)، صص ۳۰-۱.

- رضی بهابادی، بی بی سادات؛ بهادری، آتنا و پورکاویان، زینب. (۱۳۹۹). «تحلیل مضمون آثار اقتدار ملی در بیانات آیت الله خامنه‌ای و مبانی قرآنی آن»، فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی، ۹(۲)، صص ۲۴۷-۲۶۹.
- درودیان، محمد (۱۳۷۸). جنگ بازیابی ثبات، بررسی تحولات سیاسی_ نظامی از سال ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۱، ج ۲، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- دستاوردهای ایران اسلامی در دفاع مقدس (۱۳۹۸). سایت دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله خامنه‌ای، قابل دسترس در: <https://khl.ink/f/43672>
- سمیعی اصفهانی، علیرضا (۱۳۸۳). «دفاع مقدس و تاثیر آن بر مولفه‌های ایرانی -اسلامی» فصلنامه هویت ملی، شماره ۲۷، تابستان، صص ۹۶-۷۹.
- صدیق، میرابراهیم؛ جمشیدی، محسن و پورعظیم، معصومه (۱۳۹۸). «نقش و جایگاه استراتژی دفاعی در راهبرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه راهبرد سیاسی، ۳(۱۱)، صص ۶۳-۹۸.
- صدیق اورعی، غلامرضا و احمدرضا اصغر پورماسوله (۱۳۹۴). «بررسی ساختار ایدئولوژی انقلاب اسلامی در دهه اول انقلاب با تحلیل محتوای وصایای شهدای جنگ ایران و عراق»، فصلنامه علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، سال و شماره؟!، بهار و تابستان، صص ۲۶-۱.
- عیوضی، محمدرحیم و حاجی حسن، ملیحه (۱۳۹۸). «تبیین مؤلفه‌های اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) در هشت سال دفاع مقدس»، فصلنامه مطالعات دفاع مقدس، ۵(۱)، صص ۹۵-۱۱۳.
- کارکنان نصرآبادی، محمد (۱۳۸۴). «جنگ و هویت (با رویکرد جامعه‌شناختی به جنگ ایران و عراق)»، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۲، تابستان، صص ۸۵-۷۲.
- کتابی، امیرعلی (۱۳۹۸). «نقش راهبردی امام خمینی (ره) در مدیریت جنگ در دوران دفاع مقدس»، فصلنامه مطالعات دفاع مقدس، ۵(۳)، صص ۴۹-۶۵.
- کوشکی، محمدصادق (۱۳۹۳). «بررسی عملکرد نیروهای سیاسی در دفاع مقدس»، سایت خبری مشرق، قابل دسترس در: mshrgh.ir/351580
- منتظران، جواد (۱۶ خرداد ۹۶). «دفاع مقدس و تأثیر آن بر اتحاد، انسجام و هویت ملی»، پایگاه خبری فارس، قابل دسترس در: <http://fna.ir/V0H0Q3>

متقی، ابراهیم (۱۳۸۸). نظام دوقطبی و جنگ ایران و عراق، تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.

ناطق پورنوری، مهدی و رضا شاهقلیان قهفرخی (۱۳۹۶). «جنگ تحمیلی عراق علیه ایران در نگرش اندیشمندان دفاعی و امنیتی»، فصلنامه مطالعات دفاع مقدس و نبردهای معاصر، شماره ۲، بهار و تابستان، صص ۳۵-۱.

نهادی، هادی (۱۳۹۸). «شناسایی و ساختاردهی شایستگی های رفتاری فرماندهان دفاع مقدس»، فصلنامه مطالعات دفاع مقدس، ۵(۲)، ۱۱۱-۱۳۲.

ولی پور زرومی، سیدحسین (۱۳۸۴). «هویت ملی و دفاع مقدس»، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۳، پاییز، صص ۱۲۲-۱۰۰.

ودیعه، ساسان (۱۳۸۱). «تحلیل جامعه شناختی جنگ ایران و عراق در قالب نظریه پارسونز»، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۱۴، زمستان، صص ۱۵۴-۱۳۲.